

درسنامه درس: ششم جامعه‌شناسی (۳) پایه دوازدهم انسانی
نگارش: بهزاد شیخ زاده - دبیر علوم اجتماعی شهرستان ایذه - استان خوزستان
موضوع درس: **قدرت اجتماعی**
شامل: خلاصه درس - نمونه سوال - سوالات امتحان نهایی و کنکور
سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹

خلاصه درس

مقدمه:

انسان همواره سه گانه قدرت، ثروت و دانش را ارزش های واسطه ای و پیش نیازهای دستیابی به سعادت و کمال حقیقی می دانست، از این رو همه آنها را خوب و خیر می دید، ولی وقتی عملکرد آنها را در دستیابی به سعادت با یکدیگر مقایسه می کرد معمولاً دانش را کاملاً مثبت (خیر و خوب)، ثروت را خاکستری (نه خوب و نه بد) و قدرت، را بیشتر منفی (بد) ارزیابی می کرد.

اما در دوره اخیر، در گوشه ای از دنیا، برخی مدعی شدند: همین ارزیابی های اخلاقی و نگاه وسیله ای به قدرت و ثروت، دست و پا گیر بوده و مانع توسعه و پیشرفت آنها شده است. پس از آن، داوری اخلاقی درباره قدرت و ثروت نادیده گرفته شد تا با توسعه و گسترش آنها، زمینه آسایش و آرامش بشر فراهم شود. دانش نیز به علوم تجربی (ابزاری) محدود شد و برای نیل به همان هدف به خدمت گرفته شد. اما دیری نپایید که در کنار نتایج خیره کننده و شگرف توسعه قدرت و ثروت، پیامدهای دیگری همانند فقر، نابرابری، سرکوب، جنگ، تخریب طبیعت و... نیز ظاهر شدند. این پیامدهای ناخواسته و ناخوشایند، واکنشهای شدیدی برانگیخت .

نخستین واکنش به **ثروت** نشان داده شد. ثروت دیگر نه یک امر خنثی (نه خوب و نه بد) بلکه ریشه بسیاری از ظلمها و شرارت ها قلمداد شد و مالکیت، دزدی خوانده شد .

واکنش شدید بعدی به **دانش** نشان داده شد و خوشبینی به دانش نیز مورد تردید جدی قرار گرفت. یعنی دانش دیگر راهنمای ما به سوی سعادت نبود بلکه به همراه قدرت و ثروت، رو به تاریکی و ظلمت می نهاد.

این گونه بود که ارزش هر سه مزیت قدرت، ثروت و دانش مورد شک و تردید بنیادی قرار گرفت. در چنین شرایطی، بشر صرفاً به فایده و لذت ناشی از این مزایا بسنده کرد.

انواع قدرت: فردی و اجتماعی

موجودی که بتواند کاری را با **آگاهی و اراده** خود انجام دهد، دارای قدرت است. به همین دلیل، انسان کنشگری قدرتمند است.

اما قدرت فردی انسان محدود است. او نمی تواند همه نیازهای خود را به تنهایی برآورده سازد و برای تأمین برخی از نیازهای خود، به کمک دیگران احتیاج دارد.

قدرت اجتماعی هنگامی پیدا می شود که انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر اراده دیگران تأثیر بگذارد و کار ارادی دیگران را به خدمت بگیرد.

آنان که توان تأثیرگذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند، از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردارند. علاوه بر افراد، نهادها، سازمان ها و جوامع نیز دارای قدرت اجتماعی هستند.

قدرت مقبول و قدرت مشروع

قدرت اجتماعی بدون پذیرش و توافق دیگران پدید نمی آید؛ یعنی دیگران باید بپذیرند که مطابق آنچه از آنها خواسته می شود، عمل کنند. تنها راه تأثیر گذاردن بر اراده دیگران و به خدمت گرفتن فعالیت ارادی ایشان، جلب تبعیت آنهاست.

جلب تبعیت دیگران به دو صورت ممکن است:

۱- **تبعیت با کراهت**؛ تبعیتی است که ناشی از تهدید و ترس باشد.

۲- **تبعیت با رضایت**؛ تبعیتی است که با رضایت و میل درونی همراه است.

قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با رضایت طرف مقابل به دست می آید، دارای مقبولیت است.

مشروعیت قدرت به این معناست که قدرت مطابق یک نظام عقیدتی و ارزشی صحیح اعمال شود.

مدار مقبولیت، خواست و اراده کسانی است که قدرت بر آنها اعمال می شود.

مدار مشروعیت، حق و باطل بودن است.

اگر قدرتی مطابق قانون و حکم الهی باشد، مشروعیت دارد.

مقبولیت و مشروعیت می توانند با هم باشند و می توانند از یکدیگر جدا باشند.

اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد و تبعیت از آن نیز با رضایت و میل همراه باشد، قدرت هم مشروعیت دارد و هم مقبولیت اجتماعی.

هنگامی که قدرت برخلاف حکم و قانون الهی باشد اما تبعیت از آن، از روی رضایت باشد، قدرتی مقبول ولی غیرمشروع وجود دارد.

قدرت سخت و قدرت نرم

قدرت را می توان به قدرت سخت و نرم نیز تقسیم کرد.

قدرت سخت قدرتی است که از طریق ابزارهای خشن، با زور و به طور آشکار، توسط نهادهای نظامی اعمال می شود.

قدرت نرم به شکل پنهان و از طریق نفوذ فرهنگی، با کمک ابزارهایی مانند رسانه ها و نهادهای آموزشی اعمال می شود.

در گذشته قدرت سخت یک کشور موجب سلطه سیاسی و اقتصادی بر سایر کشورها می شد، اما امروزه قدرت نرم سبب سلطه فرهنگی می شود .

نظام آموزشی کشورها از دیگر ابزارهای اعمال قدرت نرم است؛ یعنی یک کشور می تواند از طریق نفوذ در نظام آموزشی کشور دیگر، در آن کشور اعمال قدرت کند و فرهنگ و جهان بینی نسل های آینده ساز آن کشور را مطابق منافع و اغراض خود تغییر دهد .

در گذشته نبرد بین دولت ها در قلمرو سرزمینی و با ابزار نظامی صورت می گرفت و رسانه ها خبر آن را منتشر می کردند، اما امروزه نبرد در حوزه فرهنگ و با ابزار رسانه صورت می گیرد و درگیری نظامی، اگر اتفاق بیفتد در ادامه جنگ فرهنگی رخ می دهد .

امروزه بسیاری از کنشگران فردی با استفاده از شبکه های اجتماعی، ارتباطات اجتماعی گسترده ای در فضای مجازی دارند و به همین دلیل گاهی در مقایسه با دولت ها تأثیرگذاری اجتماعی و فرهنگی بیشتری دارند؛ سلبریتی ها، ستاره های هنری، ورزشی و... از جمله این کنشگران فردی هستند که در برخی موارد می توانند جریان ساز شوند.

هنگامی که سلطه به شیوه فرهنگی اعمال شود بیشتر مورد رضایت و پذیرش قرار می گیرد؛ جامعه شناسان از این نوع سلطه به «هژمونی» تعبیر می کنند.

سلطه هژمونیک از شیوه ها و ابزارهای فرهنگی مانند هنر و رسانه برای مهندسی رضایت عمومی و توجیه برتری جویی خود استفاده می کند. برای نمونه رسانه های آمریکایی «اسلام هراسی» را به عنوان شیوه ای برای بسط هژمونی آمریکا به کار می برند.

گفت و گو کنید:

انقلاب هایی که با استفاده از قدرت نرم رسانه ها در صدد براندازی حکومت های مخالف غرب برآمدند، انقلاب های رنگین نام گرفتند.

انواع نظام سیاسی

هرگاه قدرت برای رسیدن به هدفی معین سازمان یابد، «سیاست» پدید می آید؛ یعنی سیاست، اعمال قدرت سازمان یافته برای دستیابی به هدف است.

هر جهان اجتماعی آرمانها و ارزش های ویژه ای دارد و نمی تواند بدون سیاستی مناسب، به آرمان ها و ارزش های خود دست یابد.

مجموعه سازوکارهایی که برای اعمال سیاست های جهان اجتماعی وجود دارد، «نظام سیاسی» را پدید می آورد. در یک جهان اجتماعی، نظام سیاسی نمی تواند مستقل از نظام های دیگر مانند نظام فرهنگی، اقتصادی و... باشد؛ بلکه در تعامل با آنها قرار می گیرد. نظام سیاسی، بر نظامهای دیگر، اثر می گذارد و از آنها نیز تأثیر می پذیرد.

نظام های سیاسی را می توان براساس ملاک های گوناگون به انواع مختلفی دسته بندی کرد. از جمله :

الف) براساس تعداد افراد تأثیرگذار و تصمیم گیرنده؛

ب) براساس روش تصمیم گیری

بر اساس ملاک، (تعداد افراد تأثیرگذار و تصمیم گیرنده) نظام های سیاسی به سه دسته تقسیم می شوند:

۱- نظامهایی که در آن یک فرد حاکم است و تصمیم می گیرد .

۲- نظامهایی که در آن اقلیتی تصمیم گیرنده هستند.

۳- نظام هایی که در آن اکثریت مردم در سرنوشت سیاسی خود تأثیرگذارند .

بر اساس (روش تصمیم گیری) نظام سیاسی را به دو دسته می توان تقسیم نمود:

۱- نظام هایی که در آن، حاکم یا حاکمان بر اساس اهداف، اغراض و امیال خود تصمیم می گیرند؛ یعنی هر نوع تصمیمی را برای خود جایز می دانند .

۲- نظامهایی که در آن، حاکم یا حاکمان بر اساس حقیقت و فضیلت و با توجه به موازین عقلی تصمیم می گیرند . ارسطو از این دو ملاک برای دسته بندی نظامهای سیاسی استفاده کرده و از شش نوع حکومت نام برده است.

بر اساس خواست و میل حاکم	بر اساس فضیلت	روش حکومت تعداد حاکمان
استبدادی	موناشرشی	فرد
الیگارش	آریستوکراسی	اقلیت
دموکراسی	جمهوری	اکثریت

همان طور که در جدول بالا می بینید در سه نوع از این نظام های سیاسی یک فرد، اقلیت یا اکثریت بر مدار خواسته ها و تمایلاتشان بر جامعه حکومت می کنند و در سه نوع دیگر، حکومت یک فرد، اقلیت یا اکثریت بر اساس حقیقت و فضیلت استوار است

برخی اندیشمندان اجتماعی و سیاسی، ملاک های دیگری بر ملاک های ارسطو افزوده اند و گونه شناسی دیگری از نظام های سیاسی ارائه کرده اند. برای مثال فارابی ملاک دین مداری یا دنیامداری نظام سیاسی را نیز در نظر گرفت .

نظام سیاسی دینی بر اساس احکام و قوانین الهی سازمان می یابد.

در مقابل، نظام سیاسی دنیامدار فقط ارزش ها و آرمان های دنیوی و این جهانی را مورد توجه قرار می دهد.

بخوانیم و بدانیم

لیبرال دموکراسی و جمهوری اسلامی :

لیبرالیسم به معنای مباح دانستن همه امور برای انسان و دموکراسی به معنای حاکمیت اکثریت مردم بر اساس خواست و میل خودشان است.

بنابراین **لیبرال دموکراسی** نوعی نظام سیاسی است که ادعا می کند با خواست و اراده اکثریت مردم شکل می گیرد و هیچ حقیقت و فضیلتی را که مستقل از خواست مردم باشد، به رسمیت نمی شناسد، همچنین حکومتی دنیوی و سکولار است .

این نظام سیاسی با فرهنگ جهان غرب که رویکردی دنیوی به جهان هستی دارد، سازگار است و آزادی را مهم ترین ارزش اجتماعی می داند. توسعه، ثبات، رفاه، سلطه بر طبیعت، و جهان از دیگر ارزش های مهم در این نظام سیاسی هستند.

در این نظام سیاسی فقط می توان از مقبولیت نظام حرف زد و نمی توان از مشروعیت حقیقی سخن گفت.

جمهوری اسلامی نوع دیگری از نظام سیاسی است که در جهان اسلام مورد توجه قرار گرفته است. عنوان **جمهوری** در این ترکیب به این معناست که مردم جامعه، خودشان سرنوشت سیاسی خود را تعیین می کنند و کلمه **اسلامی** نشان دهنده این است که فعالیت مردم و نظام سیاسی بر اساس عقاید و ارزش های اسلامی، سازمان پیدا می کند.

در این نظام سیاسی، قوانین و مقررات با خواست مردم و براساس احکام الهی و اسلامی تعیین می گردند. به علاوه، ارزش های سیاسی و همچنین قوانین و مقررات اجتماعی با **عقل و وحی** شناخته و معین می شوند، مردم نیز مسئولیت شناخت و اجرای آنها را برعهده دارند.

داوری علمی ارزش های سیاسی

ویژگی کنش های سیاسی

هر کنش سیاسی، یا به قصد **تغییر** وضع موجود انجام می شود یا با هدف **حفظ** آن.

اگر تمایل به حفظ وضع موجود باشد، هدف، **پیشگیری از تغییری** است که وضعیت را «بدتر» می کند

و هرگاه تمایل به تغییر، وجود داشته باشد، هدف **ایجاد وضعیت «بتر»** است.

پس تمامی کنش های سیاسی با دو مفهوم «**بتر**» و «**بدتر**» هدایت می شوند.

اما چگونه بهتر و بدتر را تشخیص می دهیم؟ مهمترین هدف ما در زندگی، دستیابی به **فضیلت های فردی و سعادت همگانی** است.

فضیلت و سعادت در «**زندگی خوب**» یا «**جامعه خوب**» به دست می آید. از این رو، فعالیت های سیاسی باید در جهت دسترسی به «جامعه خوب»، برای دست یابی به فضیلت و سعادت باشد.

امور سیاسی، همواره مورد تأیید یا رد، انتخاب یا طرد، ستایش یا نکوهش انسان ها قرار می گیرند؛ یعنی امور سیاسی، اموری **خنثی** نیستند. به علاوه این امور از انسان ها اطاعت، وفاداری و تصمیم می خواهند، بنابراین لازم است که آنها را براساس ملاک هایی ارزیابی کنیم. آیا امکان ارزیابی ارزش های سیاسی و داوری درباره آنها وجود دارد؟

شاید در عمل، تشخیص دقیق خوب از بد بسیار دشوار باشد، اما **غیر ممکن نیست**. آیا باید دشواری شناخت خوب از بد را بهانه ای برای دست کشیدن از شناخت معتبر و علمی دانست و ادعا کرد که داوری عقلانی و عملی میان کنش های سیاسی و نظام های سیاسی، غیر ممکن است؟

جامعه شناسی و مطالعه ارزش های سیاسی

یک بار دیگر به پیامدهای یکسان انگاری نظم اجتماعی و نظم طبیعی بیندیشید. طبیعت یک نظم جهان شمول دارد؛ یعنی قوانین طبیعت در همه مکان ها و زمان ها یکسانند، از این رو نتایج مطالعه بر روی طبیعت در هر مکان و زمانی می تواند به تمامی مکان ها و زمان ها تعمیم داده شود. ولی جوامع و فرهنگ ها همانند طبیعت نیستند و ما نمی توانیم نتایجی را که از مطالعه و بررسی یک جامعه به دست آورده ایم به همه

جوامع دیگر تعمیم بدهیم. مثلاً نمی‌توانیم نتایجی را که از مطالعه جوامع غربی به دست می‌آوریم به جوامع دیگر که با جهان غرب تفاوت دارند، تعمیم بدهیم. برای پیشگیری از چنین اشتباهی، ناگزیر باید سایر جوامع و فرهنگ‌ها را نیز مطالعه و بررسی کنیم. اما در اینجا هم امکان دارد، مرتکب خطای دیگری شویم بدین صورت که در مطالعه سایر جوامع و فرهنگ‌ها، به معانی فرهنگی آنها توجه نکنیم و آنها را از منظر غرب مطالعه کنیم و معنای پدیده‌های اجتماعی در آن فرهنگ‌ها را به درستی دریافت نکنیم. برای جلوگیری از این خطا باید بکشیم جوامع و فرهنگ‌های دیگر را از منظر خودشان مطالعه کنیم؛ یعنی با **رویکرد تفسیری** به بررسی آنها بپردازیم. در این صورت با مشکل دیگری مواجه می‌شویم؛

۱- تعدد و تنوع فرهنگ‌ها و جوامع معاصر و قدیمی، علوم اجتماعی را درگیر مطالعات پایان‌ناپذیر و تمام‌نشدنی می‌سازد.

۲- علاوه بر این، فرهنگ‌های مختلف معمولاً به مرزهای خودشان محدود نمی‌مانند و ما را ناگزیر از مقایسه ارزش‌ها برای تشخیص ارزش‌های صحیح از ارزش‌های غلط می‌سازند.

ولی وقتی علوم اجتماعی برای مطالعه هر فرهنگ مجبور باشد که آن فرهنگ را فقط از منظر مردمی که آن را پذیرفته‌اند، ببیند و بررسی کند، امکان مقایسه و داوری فرهنگ‌ها و ارزش‌ها از دست می‌رود.

جامعه‌شناسی تبیینی با منحصر کردن علم به علوم تجربی، ارزش‌های انسانی از جمله ارزش‌های سیاسی را قابل مطالعه علمی نمی‌داند؛ از اینرو با ارزش‌زدایی و معنازدایی از قدرت، آن را به عنوان یک پدیده خنثی و فاقد معنا مطالعه می‌کند.

جامعه‌شناسی تفسیری نیز، اگرچه امور سیاسی را پدیده‌هایی معنادار و ارزشی می‌داند اما صرفاً به توصیف ارزش‌ها، و نظام‌های سیاسی بسنده می‌کند و ملاک و معیاری برای ارزیابی علمی آنها ارائه نمی‌دهد. به همین دلیل **جامعه‌شناسان انتقادی** معتقدند که رویکردهای تبیینی و تفسیری هر دو **محافظه‌کارند** و نه تنها هیچ راهکاری برای بهتر ساختن وضعیت موجود ندارند، بلکه انسانها را در برابر وضعیت موجود منفعل و مجبور می‌سازند.

جامعه‌شناسان انتقادی، یافتن راهی برای **داوری علمی** درباره ارزش‌های اجتماعی به ویژه در **عرصه قدرت** را ضروری می‌دانند و دست‌شستن از این آرمان بزرگ را بن بست زندگی انسان معرفی می‌کنند.

انواع نمونه سئوالات درس ششم (قدرت اجتماعی)

۱- انسان همواره کدام ارزش‌های سه‌گانه را واسطه و پیش‌نیاز دستیابی به سعادت و کمال حقیقی می‌داند؟

انسان همواره سه‌گانه قدرت، ثروت و دانش را ارزش‌های واسطه‌ای و پیش‌نیازهای دستیابی به سعادت و کمال حقیقی می‌داند، از این رو همه آنها را خوب و خیر می‌دید.

۲- انسان وقتی عملکرد ارزش‌های سه‌گانه (قدرت، ثروت و دانش) را در دستیابی به سعادت با یکدیگر مقایسه می‌کرد آنها را چگونه ارزیابی می‌کرد؟

ولی وقتی عملکرد آنها را در دستیابی به سعادت با یکدیگر مقایسه می‌کرد معمولاً دانش را کاملاً مثبت (خیر و خوب)، ثروت را خاکستری (نه خوب و نه بد) و قدرت، را بیشتر منفی (بد) ارزیابی می‌کرد.

۳- چرا در دوران اخیر، داوری اخلاقی درباره قدرت و ثروت نادیده گرفته شد؟

اما در دوره اخیر، در گوشه ای از دنیا، برخی مدعی شدند: همین ارزیابی های اخلاقی و نگاه وسیله ای به قدرت و ثروت، دست و پا گیر بوده و مانع توسعه و پیشرفت آنها شده است. پس از آن، داوری اخلاقی درباره قدرت و ثروت نادیده گرفته شد تا با توسعه و گسترش آنها، زمینه آسایش و آرامش بشر فراهم شود. دانش نیز به علوم تجربی (ابزاری) محدود شد و برای نیل به همان هدف به خدمت گرفته شد.

۴- در دوران اخیر کدام پیامدهای ناخواسته و ناخوشایند (قدرت، ثروت و دانش) واکنش های شدیدی برانگیخت؟

پیامدهای دیگری همانند فقر، نابرابری، سرکوب، جنگ، تخریب طبیعت و... نیز ظاهر شدند. این پیامدهای ناخواسته و ناخوشایند، واکنش های شدیدی برانگیخت.

۵- در دوران اخیر نخستین واکنش به کدام یک از مزیت های سه گانه نشان داده شد و چه دیدگاهی در مورد آن مزیت توسط اندیشمندان مطرح گردید؟

نخستین واکنش به **ثروت** نشان داده شد. ثروت دیگر نه یک امر خنثی (نه خوب و نه بد) بلکه ریشه بسیاری از ظلمها و شرارت ها قلمداد شد و مالکیت، دزدی خوانده شد.

۶- با ظهور پیامدهای ناخواسته و ناخوشایند چه واکنشی نسبت به دانش نشان داده شد؟

واکنش شدید بعدی به **دانش** نشان داده شد و خوش بینی به دانش نیز مورد تردید جدی قرار گرفت. یعنی دانش دیگر راهنمای ما به سوی سعادت نبود بلکه به همراه قدرت و ثروت، رو به تاریکی و ظلمت می نهاد.

۷- پس از این که ارزش هر سه مزیت مورد شک و تردید بنیادی قرار گرفت، بشر چه تصمیمی در مورد آن ها اتخاذ کرد؟

این گونه بود که ارزش هر سه مزیت قدرت، ثروت و دانش مورد شک و تردید بنیادی قرار گرفت. در چنین شرایطی، بشر صرفاً به فایده و لذت ناشی از این مزایا بسنده کرد.

۸- قدرت به چه معناست؟

موجودی که بتواند کاری را با **آگاهی و اراده** خود انجام دهد، دارای قدرت است.

۹- چرا انسان کنشگری قدرتمند است؟

موجودی که بتواند کاری را با **آگاهی و اراده** خود انجام دهد، دارای قدرت است. به همین دلیل، انسان کنشگری قدرتمند است.

۱۰- قدرت فردی انسان چگونه است؟

اما قدرت فردی انسان محدود است. او نمی تواند همه نیازهای خود را به تنهایی برآورده سازد و برای تأمین برخی از نیازهای خود، به کمک دیگران احتیاج دارد.

۱۱- قدرت اجتماعی چه هنگامی پیدا می شود؟

قدرت اجتماعی هنگامی پیدا می شود که انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر اراده دیگران تأثیر بگذارد و کار ارادی دیگران را به خدمت بگیرد.

۱۲- چه کسانی از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردارند؟

آنان که توان تأثیرگذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند، از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردارند.

۱۳- آیا قدرت اجتماعی بدون پذیرش و توافق دیگران پدید می آید؟ توضیح دهید؟

قدرت اجتماعی بدون پذیرش و توافق دیگران پدید نمی آید؛ یعنی دیگران باید بپذیرند که مطابق آنچه از آنها خواسته می شود، عمل کنند.

۱۴- تنها راه تأثیر گذاردن بر اراده دیگران و به خدمت گرفتن فعالیت ارادی ایشان است.

جلب تبعیت

۱۵- جلب تبعیت دیگران به چند صورت ممکن است نام ببرید؟

جلب تبعیت دیگران به دو صورت ممکن است :

۱- تبعیت با کراهت

۲- تبعیت با رضایت

۱۶- تبعیت با کراهت چیست؟ تبعیتی است که ناشی از تهدید و ترس باشد.

۱۷- تبعیت با رضایت چیست؟ تبعیتی است که با رضایت و میل درونی همراه است.

۱۸- کدام قدرت دارای مقبولیت است؟

قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با رضایت طرف مقابل به دست می آید، دارای مقبولیت است.

۱۹- مشروعیت قدرت به چه معناست؟

مشروعیت قدرت به این معناست که قدرت مطابق یک نظام عقیدتی و ارزشی صحیح اعمال شود.

۲۰- مدار مقبولیت و مدار مشروعیت چیست؟

مدار مقبولیت، خواست و اراده کسانی است که قدرت بر آنها اعمال می شود.

مدار مشروعیت، حق و باطل بودن است.

۲۱- در چه صورتی قدرت مشروعیت دارد؟

اگر قدرتی مطابق قانون و حکم الهی باشد، مشروعیت دارد .

۲۲- چه رابطه ای بین مقبولیت و مشروعیت وجود دارد؟

مقبولیت و مشروعیت می توانند با هم باشند و می توانند از یکدیگر جدا باشند .

۲۳- چه هنگامی قدرت هم مشروعیت دارد و هم مقبولیت اجتماعی دارد؟

اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد و تبعیت از آن نیز با رضایت و میل همراه باشد، قدرت هم مشروعیت دارد و هم مقبولیت اجتماعی .

۲۴- چه هنگامی قدرتی مقبول ولی غیر مشروع وجود دارد؟

هنگامی که قدرت برخلاف حکم و قانون الهی باشد اما تبعیت از آن، از روی رضایت باشد، قدرتی مقبول ولی غیرمشروع وجود دارد.

۲۵- قدرت سخت و نرم را تعریف کنید؟

قدرت سخت، قدرتی است که از طریق ابزارهای خشن، با زور و به طور آشکار، توسط نهادهای نظامی اعمال می شود.

قدرت نرم به شکل پنهان و از طریق نفوذ فرهنگی، با کمک ابزارهایی مانند رسانه ها و نهادهای آموزشی اعمال می شود.

۲۶- در گذشته و امروزه از کدام قدرت استفاده می شود؟

در گذشته قدرت سخت یک کشور موجب سلطه سیاسی و اقتصادی بر سایر کشورها می شد، اما امروزه قدرت نرم سبب سلطه فرهنگی می شود .

۲۷- نظام آموزشی کشورها از دیگر ابزارهای قدرت نرم است یعنی چه؟

نظام آموزشی کشورها از دیگر ابزارهای اعمال قدرت نرم است؛ یعنی یک کشور می تواند از طریق نفوذ در نظام آموزشی کشور دیگر، در آن کشور اعمال قدرت کند و فرهنگ و جهان بینی نسل های آینده ساز آن کشور را مطابق منافع و اغراض خود تغییر دهد .

۲۸- نبرد بین دولت ها در گذشته با امروزه چه تفاوتی با هم دارند؟

در گذشته نبرد بین دولت ها در قلمرو سرزمینی و با ابزار نظامی صورت می گرفت و رسانه ها خبر آن را منتشر می کردند، اما امروزه نبرد در حوزه فرهنگ و با ابزار رسانه صورت می گیرد و درگیری نظامی، اگر اتفاق بیفتد در ادامه جنگ فرهنگی رخ می دهد .

۲۹- امروزه کنشگران فردی به چه دلیل در مقایسه با دولت ها تاثیر گذاری اجتماعی و فرهنگی بیشتری دارند؟ با مثال؟

امروزه بسیاری از کنشگران فردی با استفاده از شبکه های اجتماعی، ارتباطات اجتماعی گسترده ای در فضای مجازی دارند و به همین دلیل گاهی در مقایسه با دولت ها تأثیرگذاری اجتماعی و فرهنگی بیشتری دارند؛ سلبریتی ها، ستاره های هنری، ورزشی و... از جمله این کنشگران فردی هستند که در برخی موارد می توانند جریان ساز شوند.

۳۰- «هژمونی» را تعریف کنید؟

هنگامی که سلطه به شیوه فرهنگی اعمال شود بیشتر مورد رضایت و پذیرش قرار می گیرد؛ جامعه شناسان از این نوع سلطه به «هژمونی» تعبیر می کنند.

۳۱- سلطه هژمونیک از کدام شیوه ها و ابزارهای فرهنگی استفاده می کند؟ با مثال

سلطه هژمونیک از شیوه ها و ابزارهای فرهنگی مانند هنر و رسانه برای مهندسی رضایت عمومی و توجیه برتری جویی خود استفاده می کند. برای نمونه رسانه های آمریکایی «اسلام هراسی» را به عنوان شیوه ای برای بسط هژمونی آمریکا به کار می برند.

۳۲- هرگاه قدرت برای رسیدت به هدفی معین سازمان یابد، پدید می آید. (سیاست)

۳۳- سیاست چیست؟

هرگاه قدرت برای رسیدن به هدفی معین سازمان یابد، «سیاست» پدید می آید؛ یعنی سیاست، اعمال قدرت سازمان یافته برای دستیابی به هدف است.

۳۴- نظام سیاسی چیست؟

مجموعه سازوکارهایی که برای اعمال سیاست های جهان اجتماعی وجود دارد، «نظام سیاسی» را پدید می آورد.

۳۵- نظام سیاسی چه ارتباطی با نظام های دیگر یک جهان اجتماعی دارد؟

در یک جهان اجتماعی، نظام سیاسی نمی تواند مستقل از نظام های دیگر مانند نظام فرهنگی، اقتصادی و... باشد؛ بلکه در تعامل با آنها قرار می گیرد. نظام سیاسی، بر نظامهای دیگر، اثر می گذارد و از آنها نیز تأثیر می پذیرد.

۳۶- نظام های سیاسی بر اساس کدام ملاک ها به انواع مختلف دسته بندی می شوند؟

الف) براساس تعداد افراد تأثیرگذار و تصمیم گیرنده؛

ب) براساس روش تصمیم گیری

۳۷- بر اساس ملاک تعداد افراد تأثیر گذار و تصمیم گیرنده نظام های سیاسی به چند دسته تقسیم می شوند؟ نام ببرید.

به سه دسته تقسیم می شوند:

۱- نظامهایی که در آن یک فرد حاکم است و تصمیم می گیرد .

۲- نظامهایی که در آن اقلیتی تصمیم گیرنده هستند.

۳- نظام هایی که در آن اکثریت مردم در سرنوشت سیاسی خود تأثیرگذارند .

۳۸- بر اساس روش تصمیم گیری نظام های سیاسی به چند دسته تقسیم می شوند؟ نام ببرید.

به دو دسته می توان تقسیم نمود:

۱- نظام هایی که در آن، حاکم یا حاکمان براساس اهداف، اغراض و امیال خود تصمیم می گیرند؛ یعنی هر نوع تصمیمی را برای خود جایز می دانند .

۲- نظامهایی که در آن، حاکم یا حاکمان براساس حقیقت و فضیلت و با توجه به موازین عقلی تصمیم می گیرند.

۳۹- ارسطو از کدام ملاک ها برای دسته بندی نظام های سیاسی استفاده کرده توضیح دهید؟

الف) براساس تعداد افراد تأثیرگذار و تصمیم گیرنده؛

ب) براساس روش تصمیم گیری

بر اساس خواست و میل حاکم	براساس فضیلت	روش حکومت تعداد حاکمان
استبدادی	موناشرشی	فرد
الیگارشسی	آریستوکراسی	اقلیت
دموکراسی	جمهوری	اکثریت

۴۰- فارابی کدام ملاک را در تقسیم بندی نظام سیاسی بر ملاک های ارسطو افزوده است؟ توضیح دهید؟

فارابی ملاک دین مداری یا دنیامداری نظام سیاسی را نیز در نظر گرفت .

نظام سیاسی دینی براساس احکام و قوانین الهی سازمان می یابد.

در مقابل، نظام سیاسی دنیامدار فقط ارزش ها و آرمان های دنیوی و این جهانی را مورد توجه قرار می دهد.

۴۱- لیبرالیسم به چه معناست؟

لیبرالیسم به معنای مباح دانستن همه امور برای انسان است.

۴۲- دموکراسی به چه معناست؟

دموکراسی به معنای حاکمیت اکثریت مردم براساس خواست و میل خودشان است.

۴۳- لیبرال دموکراسی چه نوع نظام سیاسی است؟

بنابراین **لیبرال دموکراسی** نوعی نظام سیاسی است که ادعا می کند با خواست و اراده اکثریت مردم شکل می گیرد و هیچ حقیقت و فضیلتی را که مستقل از خواست مردم باشد، به رسمیت نمی شناسد، همچنین حکومتی دنیوی و سکولار است.

۴۴- لیبرال دموکراسی با کدام فرهنگ سازگار است و مهم ترین ارزش های اجتماعی را چه می داند و ارزش های مهم این نظام سیاسی را نام ببرید؟

این نظام سیاسی با فرهنگ جهان غرب که رویکردی دنیوی به جهان هستی دارد، سازگار است و آزادی را مهم ترین ارزش اجتماعی می داند. توسعه، ثبات، رفاه، سلطه بر طبیعت، و جهان از دیگر ارزش های مهم در این نظام سیاسی هستند.

۴۵- در نظام لیبرال دموکراسی (مقبولیت و مشروعیت) چگونه است؟

در این نظام سیاسی فقط می توان از مقبولیت نظام حرف زد و نمی توان از مشروعیت حقیقی سخن گفت.

۴۶- جمهوری اسلامی چه نوع نظام سیاسی است و عنوان جمهوری و اسلامی نشان دهنده چیست؟

جمهوری اسلامی نوع دیگری از نظام سیاسی است که در جهان اسلام مورد توجه قرار گرفته است. عنوان جمهوری در این ترکیب به این معناست که مردم جامعه، خودشان سرنوشت سیاسی خود را تعیین می کنند و کلمه اسلامی نشان دهنده این است که فعالیت مردم و نظام سیاسی بر اساس عقاید و ارزش های اسلامی، سازمان پیدا می کند.

۴۷- هر کنش سیاسی به چه قصد و هدفی انجام می شود؟

هر کنش سیاسی، یا به قصد تغییر وضع موجود انجام می شود یا با هدف حفظ آن.

۴۸- اگر در کنش سیاسی تمایل به حفظ وضع موجود باشد هدف چیست؟

اگر تمایل به حفظ وضع موجود باشد، هدف، پیشگیری از تغییری است که وضعیت را «بدتر» می کند.

۴۹- اگر در کنش سیاسی تمایل به تغییر وجود داشته باشد، هدف چیست؟

هرگاه تمایل به تغییر وجود داشته باشد، هدف ایجاد وضعیت «بهتر» است.

۵۰- تمام کنش های سیاسی با دو مفهوم و هدایت می شوند.

پس تمامی کنش های سیاسی با دو مفهوم «**بهتر**» و «**بدتر**» هدایت می شوند.

۵۱- مهم ترین هدف ما در زندگی چیست؟

مهمترین هدف ما در زندگی، دستیابی به فضیلت های فردی و سعادت همگانی است.

۵۲- فعالیت سیاسی باید در چه جهتی باشد؟

فضیلت و سعادت در «زندگی خوب» یا «جامعه خوب» به دست می آید. از این رو، فعالیت های سیاسی باید در جهت دسترسی به «جامعه خوب»، برای دست یابی به فضیلت و سعادت باشد.

۵۳- چرا فعالیت های سیاسی باید در جهت دسترسی به «جامعه خوب» برای دستیابی به فضیلت و سعادت باشد؟

فضیلت و سعادت در «زندگی خوب» یا «جامعه خوب» به دست می آید. از این رو، فعالیت های سیاسی باید در جهت دسترسی به «جامعه خوب»، برای دست یابی به فضیلت و سعادت باشد.

۵۴- چرا لازم است که امور سیاسی را بر اساس ملاک هایی ارزیابی کنیم؟

امور سیاسی، همواره مورد تأیید یا رد، انتخاب یا طرد، ستایش یا نکوهش انسان ها قرار می گیرند؛ یعنی امور سیاسی، اموری خنثی نیستند. به علاوه این امور از انسان ها اطاعت، وفاداری و تصمیم می خواهند، بنابراین لازم است که آنها را بر اساس ملاک هایی ارزیابی کنیم.

۵۵- آیا می توان نتایج مطالعه و بررسی یک جامعه را به همه جوامع دیگر تعمیم بدهیم؟ با مثال؟

به پیامدهای یکسان انگاری نظم اجتماعی و نظم طبیعی بیندیشید. طبیعت یک نظم جهان شمول دارد؛ یعنی قوانین طبیعت در همه مکان ها و زمان ها یکسانند، از این رو نتایج مطالعه بر روی طبیعت در هر مکان و زمانی می تواند به تمامی مکان ها و زمان ها تعمیم داده شود. ولی جوامع و فرهنگ ها همانند طبیعت نیستند و ما نمی توانیم نتایجی را که از مطالعه و بررسی یک جامعه به دست آورده ایم به همه جوامع دیگر تعمیم بدهیم.

۵۶- برای پیشگیری از تعمیم نتایج مطالعه و بررسی یک جامعه به جوامع دیگر چه اقدامی باید صورت بگیرد؟

برای پیشگیری از چنین اشتباهی، ناگزیر باید سایر جوامع و فرهنگ ها را نیز مطالعه و بررسی کنیم.

۵۷- برای پیشگیری از تعمیم نتایج مطالعه یک جامعه به جوامع دیگر باید سایر جوامع و فرهنگ ها را نیز مطالعه و بررسی کنیم در چنین حالتی امکان دارد مرتکب چه خطای دیگری شویم؟ توضیح دهید؟

اما در اینجا هم امکان دارد، مرتکب خطای دیگری شویم بدین صورت که در مطالعه سایر جوامع و فرهنگ ها، به معانی فرهنگی آنها توجه نکنیم و آنها را از منظر غرب مطالعه کنیم و معنای پدیده های اجتماعی در آن فرهنگ ها را به درستی دریافت نکنیم. برای جلوگیری از این خطا باید بکوشیم جوامع و فرهنگ های دیگر را از منظر خودشان مطالعه کنیم؛ یعنی با **رویکرد تفسیری** به بررسی آنها پردازیم.

۵۸- استفاده از رویکرد تفسیری در مطالعه جوامع و فرهنگ ها ما را با کدام مشکل مواجه می کند؟

در این صورت با مشکل دیگری مواجه می شویم؛

۱- تعدد و تنوع فرهنگ ها و جوامع معاصر و قدیمی، علوم اجتماعی را درگیر مطالعات پایان ناپذیر و تمام نشدنی می سازد.

۲- علاوه بر این، فرهنگ های مختلف معمولاً به مرزهای خودشان محدود نمی مانند و ما را ناگزیر از مقایسه ارزش ها برای تشخیص ارزش های صحیح از ارزش های غلط می سازند.

۵۹- وقتی علوم اجتماعی برای مطالعه هر فرهنگ مجبور باشد آن فرهنگ را فقط از منظر مردمی که آن را پذیرفته اند ببیند و بررسی کند چه مشکلی پیش خواهد آمد؟

ولی وقتی علوم اجتماعی برای مطالعه هر فرهنگ مجبور باشد که آن فرهنگ را فقط از منظر مردمی که آن را پذیرفته اند، ببیند و بررسی کند، امکان مقایسه و داوری فرهنگ ها و ارزش ها از دست می رود.

۶۰- جامعه شناسی تبیینی ارزش های سیاسی (قدرت) را چگونه مطالعه می کند؟

جامعه شناسی تبیینی با منحصر کردن علم به علوم تجربی، ارزش های انسانی از جمله ارزش های سیاسی را قابل مطالعه علمی نمی داند؛ از اینرو با ارزش زدایی و معناداری از قدرت، آن را به عنوان یک پدیده خنثی و فاقد معنا مطالعه می کند.

۶۱- جامعه شناسی تفسیری ارزش های سیاسی (قدرت) را چگونه مطالعه می کند؟

جامعه شناسی تفسیری نیز، اگرچه امور سیاسی را پدیده هایی معنادار و ارزشی می داند اما صرفاً به توصیف ارزشها، و نظام های سیاسی بسنده می کند و ملاک و معیاری برای ارزیابی علمی آنها ارائه نمی دهد.

۶۲- چرا جامعه شناسی تبیینی ارزش های سیاسی را قابل مطالعه علمی نمی داند؟

جامعه شناسی تبیینی با منحصر کردن علم به علوم تجربی، ارزش های انسانی از جمله ارزش های سیاسی را قابل مطالعه علمی نمی داند.

۶۳- چرا جامعه شناسان انتقادی معتقدند که رویکردهای تبیینی و تفسیری هر دو محافظه کارند؟

جامعه شناسی تفسیری نیز، اگرچه امور سیاسی را پدیده هایی معنادار و ارزشی می داند اما صرفاً به توصیف ارزشها، و نظام های سیاسی بسنده می کند و ملاک و معیاری برای ارزیابی علمی آنها ارائه نمی دهد. به همین دلیل **جامعه شناسان انتقادی** معتقدند که رویکردهای تبیینی و تفسیری هر دو **محافظه کارند** و نه تنها هیچ راهکاری برای بهتر ساختن وضعیت موجود ندارند، بلکه انسانها را در برابر وضعیت موجود منفعل و مجبور می سازند.

۶۴- جامعه شناسان انتقادی در باره عملکرد رویکردهای تبیینی و تفسیری نسبت به مطالعه ارزش های سیاسی چه دیدگاهی دارند؟

جامعه شناسان انتقادی معتقدند که رویکردهای تبیینی و تفسیری هر دو **محافظه کارند** و نه تنها هیچ راهکاری برای بهتر ساختن وضعیت

موجود ندارند، بلکه انسانها را در برابر وضعیت موجود منفعل و مجبور می سازند.

۶۵- چرا جامعه شناسان انتقادی معتقدند که رویکردهای تبیینی و تفسیری محافظه کارند؟

چون راهکاری برای بهتر ساختن وضعیت موجود ندارند، بلکه انسان ها را در برابر وضعیت موجود منفعل و مجبور می سازند.

۶۶- جامعه شناسان انتقادی چه دیدگاهی درباره داوری علمی ارزش های اجتماعی به ویژه در عرصه قدرت دارند؟

جامعه شناسان انتقادی، یافتن راهی برای داوری علمی درباره ارزش های اجتماعی به ویژه در عرصه قدرت را ضروری می دانند و دست شستن از این آرمان بزرگ را بن بست زندگی انسان معرفی می کنند.

نمونه سئوالات درس ششم در امتحانات نهایی

سوالات کامل کردنی

۱- قدرتی که با مقبولیت همراه باشد و به صورت رسمی پذیرفته شده باشد.....نام دارد.(خرداد ۹۸)

۲- هنگامی که قدرت برخلاف حکم و قانون الهی باشد اما تبعیت از آن از روی رضایت باشد، قدرتی و شکل می گیرد.(دی ماه ۹۸)

۳- قدرتی که با مقبولیت همراه باشد و به صورت رسمی پذیرفته باشد.....نامیده می شود؟(خرداد ۹۸)

۴- مجموعه ساز و کارهایی که برای اعمال سیاست های هر جهان اجتماعی وجود دارد به شکل می دهد.(شهریور ۹۹)

سوالات چند گزینه ای

۱- ملاک های دسته بندی نظام های سیاسی از دیدگاه ارسطو کدام اند؟(خرداد ۹۹)

الف) دین مداری - دنیا مداری
ب) مقبولیت - مشروعیت

ج) تعداد افراد تاثیر گذار و تصمیم گیرنده - روش تصمیم گیری
د) تبعیت با کراهت - تبعیت با رضایت

۲- در گذشته نبرد بین دولت ها در قلمرو سرزمینی و با صورت می گیرد.(شهریور ۹۹)

الف) ابزار رسانه ب) نظام آموزشی
ج) ابزار نظامی د) نفوذ فرهنگی

۳- قدرتی که بر خلاف حکم و قانون الهی باشد، اما تبعیت از آن از روی رضایت باشد قدرتی و است.(شهریور ۹۸)

الف) مقبول - غیر مشروع
ب) دارای مقبولیت اجتماعی - بر مدار حق

ج) دارای مشروعیت حقیقی - مقبولیت
د) فاقد مقبولیت - مشروع

سوالات با پاسخ کوتاه و کامل

۱- صورت های مختلف جلب تبعیت را بنویسید؟ (شهریور ۹۸)

۲- ملاک های دسته بندی نظام های سیاسی در دیدگاه فارابی را بنویسید؟ (شهریور ۹۸)

۳- ملاک های دسته بندی نظام های سیاسی از نظر ارسطو چیست؟ و از چند نوع حکومت نام می برد؟ (دی ۹۸)

۴- مقبولیت قدرت نتیجه چیست؟ (دی ۹۸)

۵- قدرتی که مطابق یک نظام عقیدتی و ارزشی است چه نام دارد؟ (دی ۹۸)

۶- اگر بخواهیم معنای پدیده های اجتماعی را به درستی دریافت کنیم و دچار خطا نشویم چگونه باید مورد بررسی قرار گیرند؟ (خرداد ۹۸ خارج از کشور)

۷- در نظام سیاسی دینی و دین مدار بر چه اساسی قوانین سازمان می یابد؟ (خرداد ۹۸ خارج از کشور)

۸- اعمال قدرت سازمان یافته برای دست یابی به هدف معین را چه می نامند؟ (خرداد ۹۸ خارج از کشور)

۹- نظام سیاسی بر اساس روش تصمیم گیری به چند دسته تقسیم می شود؟ شرح دهید؟ (دی ۹۷)

۱۰- جدول زیر را کامل کنید. (دی ۹۷)

نوع قدرت	نوع سلطه	ابزار
سخت؟	نظامی
نرم	فرهنگی؟

۱۱- چرا جامعه شناسی تبیینی ارزش های سیاسی را قابل مطالعه نمی داند؟ نتیجه آن چیست؟ (خرداد ۹۹)

۱۲- چرا جامعه شناسان انتقادی معتقدند که رویکردهای تبیینی و تفسیری محافظه کارند؟ (خرداد ۹۹)

۱۳- جدول زیر را کامل کنید. (خرداد ۹۹)

ویژگی ها	انواع قدرت اجتماعی
.....	مقبولیت
.....	قدرت نرم
نهادهای نظامی
.....	مشروعیت

۱۴- جامعه شناسان از چه نوع سلطه ای به هژمونی تعبیر می کنند؟ (خرداد ۹۹)

۱۵- کدام نوع قدرت اجتماعی همراه با مقبولیت اجتماعی و مشروعیت است؟ (شهریور ۹۹)

۱۶- جامعه شناسی تفسیری امور سیاسی را چگونه مطالعه می کنند؟ (شهریور ۹۹)

۱۷- در سلطه هژمونیک از کدام نوع ابزارها و شیوه ها استفاده می شود؟ (شهریور ۹۹)

۱۸- جدول زیر را کامل کنید. (خرداد ۹۸)

نوع قدرت	مثال	ابزار
سخت	جنگ جهانی اول
.....	سلبریتی ها	شبکه های اجتماعی

سوالات چهار جوابی

a- در رتبه بندی نظام های سیاسی از نظر ارسطو آریستو کراسی-موناشرشی-الیگارشی و جمهوری به ترتیب در کدام گزینه به درستی تعریف شده است؟

الف) حاکمیت اقلیت مردم بر اساس فضیلت- حاکمیت فرد بر اساس فضیلت- حاکمیت اقلیت مردم بر اساس خواست و میل آن ها- حاکمیت اکثریت مردم بر اساس فضیلت

ب) حاکمیت اقلیت مردم بر اساس خواست و میل آن ها- حاکمیت فرد بر اساس خواست نفسانی او- حاکمیت اقلیت بر اساس فضیلت- حاکمیت اکثریت بر اساس خواست و میل آن ها

ج) حاکمیت اکثریت بر اساس فضیلت - حاکمیت فرد بر اساس فضیلت- حاکمیت اقلیت بر اساس خواست و میل آن ها- حاکمیت اکثریت بر اساس فضیلت

د) حاکمیت فرد بر اساس خواست و میل آن ها - حاکمیت اقلیت بر اساس فضیلت- حاکمیت اقلیت بر اساس خواست و میل حاکم- حاکمیت اکثریت بر اساس خواست و میل حاکم

b) کدام گزینه درباره نظام لیبرال دموکراسی صحیح نمی باشد؟

الف- در این نظام سیاسی می توان از مقبولیت و مشروعیت حقیقی سخن گفت.

ب) آزادی را مهم ترین ارزش اجتماعی می داند.

ج) با خواست و اراده اکثریت مردم شکل می گیرد و حکومتی دنیوی و سکولار است.

د) حقیقت و فضیلتی که مستقل از خواست مردم باشد به رسمیت نمی شناسد.

C- در جملات زیر به ترتیب گزینه های صحیح و غلط را مشخص کنید.

- ۱- مدار مقبولیت حق و باطل بودن است و مدار مشروعیت خواست و اراده کسانی است که قدرت بر آن ها اعمال می شود.
- ۲- مقبولیت و مشروعیت می توانند با هم باشند و نمی توانند از یکدیگر جدا باشند.
- ۳- اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد و تبعیت از آن با رضایت و میل همراه باشد قدرت مشروع و غیر مقبول است.
- ۴- قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با رضایت طرف مقابل به دست می آید دارای مقبولیت است.

الف) ص-غ-ص-غ (ب) غ-ص-غ-ص

ج) ص-ص-غ-ص (د) غ-غ-غ-ص

d- وقتی علوم اجتماعی برای مطالعه هر فرهنگ مجبور باشد که آن فرهنگ را فقط از منظر مردمی که آن را پذیرفته اند ، ببیند و بررسی کند چه نتیجه ای خواهد داشت؟

الف) ناگزیر از مقایسه ارزش ها برای تشخیص ارزش های صحیح از ارزش های غلط می شود.

ب) امکان مقایسه و داوری فرهنگ ها و ارزش ها از دست می رود.

ج) تعدد و تنوع فرهنگ ها علوم اجتماعی را درگیر مطالعات پایان ناپذیر و تمام نشدنی می سازد.

د) راهی برای داوری علمی درباره ارزش های اجتماعی به ویژه در عرصه قدرت را به دست می آورد.

e- داوری علمی ارزش های سیاسی به ترتیب در جامعه شناسی تفسیری، تبیینی و انتقادی چگونه انجام می شود؟

الف) تفسیری ملاک و معیاری برای ارزیابی علمی ارزش های سیاسی ارائه نمی دهد- تبیینی ارزش های سیاسی را قابل مطالعه علمی می داند- انتقادی یافتن راهی برای داوری علمی در عرصه قدرت را ضروری می داند.

ب) با منحصر کردن علم به علوم تجربی، ارزش های انسانی از جمله ارزش های سیاسی را قابل مطالعه علمی نمی داند- به توصیف ارزش ها و نظام های سیاسی بسنده می کند- راهی برای داوری علمی درباره ارزش های اجتماعی به ویژه در عرصه قدرت ارائه نمی دهد.

ج) یافتن راهی برای داوری علمی درباره ارزش های اجتماعی به ویژه در عرصه قدرت را ضروری می داند- با ارزش زدایی و معنا زدایی از قدرت ، آن را به عنوان یک پدیده خنثی و فاقد معنا مطالعه

د) ملاک و معیاری برای ارزیابی علمی ارائه نمی دهد- آن را به عنوان یک پدیده خنثی و فاقد معنا مطالعه می کند- داوری علمی را ضروری می داند و دست شستن از آن را بن بست زندگی معرفی می کند.

h- به ترتیب گزینه صحیح را در عبارات زیر مشخص کنید؟

- ۱- قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با رضایت طرف مقابل به دست می آید.
- ۲- اگر قدرت بر خلاف حکم و قانون الهی باشد اما تبعیت از آن ، از روی رضایت باشد.
- ۳- اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد و تبعیت از آن با رضایت و میل همراه باشد.
- ۴- اگر قدرتی مطابق قانون و حکم الهی باشد.

الف) مشروعیت - مقبول ولی غیر مشروع - مشروع و مقبول - مقبول

ب) مقبولیت - مشروع ولی غیر مقبول - مقبول - مشروع

ج) مشروعیت - مقبول ولی غیر مشروع - مشروع - مقبول

د) مقبولیت - مقبول ولی غیر مشروع - مشروع و مقبول - مشروع